

نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، استصوابی یا استطلاعی؟

دکتر علی یار ارشدی*

چکیده: از جمله وظایف شورای نگهبان که در قانون اساسی به آن تصریح شده است، نظارت بر انتخابات می باشد. اصل ۹۹ قانون اساسی با صراحت کامل نظارت بر چهار انتخابات ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است.

اما از چگونگی نظارت اعمالی از طرف شورای نگهبان در اصل مذکور سخنی به میان نیامده و همین امر، موجب بروز برداشت های حقوقی متفاوت از نوع نظارت شورای نگهبان شده است.

بعضی از حقوقدانان به نظارت استطلاعی و بعضی دیگر به نظارت استصوابی شورای نگهبان اعتقاد دارند. در این مقاله سعی شده که فارغ از جدال های سیاسی و صرفاً از نقطه نظر حقوقی، این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و تمام دلایلی که امکان تمسک به هر یک از آنها در تأیید نظارت استصوابی و یا استطلاعی وجود دارد، به تفصیل بیان شود.

کلید واژه: قانون اساسی، شورای نگهبان، نظارت استصوابی، نظارت استطلاعی، اصل ۹۹ قانون اساسی.

نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، استصوابی یا استطلاعی

یکی از وظایف شورای نگهبان، "نظارت بر انتخابات" می باشد. به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی: "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد".^۱

*- استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه امام حسین (ع).

۱- در اصل ۹۹ قانون اساسی از تمام انتخاباتی که جهت انتخاب افراد و یا تشکیل نهادهای مذکور در قانون اساسی، لازم و ضروری شمرده شده است، نام برده شده به استثنای انتخابات شوراهای مذکور در اصل یکصد قانون اساسی.

به چه دلیل انتخابات شوراها (اصل ۱۰۰ قانون اساسی) از "نظارت شورای نگهبان" مستثنا شده است؟ با مراجعه به گفتگوهای نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی، هیچ گونه علت خاصی از این موضوع استنباط نمی شود. لذا به نظر می رسد که به لحاظ نوع وظایف شوراهای مذکور در اصل ۱۰۰ قانون اساسی که به اداره محلی امور هر روستا، بخش،

علیرغم اینکه در اصل ۹۹ قانون اساسی به نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مهم کشور تصریح شده، اما چگونگی و نوع این "نظارت" مشخص نشده است.

در کتب فقهی و در متون حقوقی ایران از دو نوع نظارت "استصوابی" و "استطلاعی" نام برده شده است.^۲

"نظارت استصوابی" بدین معنا می‌باشد که کلیه اقدام های "مجری" یا "تصویب ناظر" باید انجام شود. اما در نظارت استطلاعی، مجری بطور مستقل حق تصمیم گیری و اجرای آنها را داشته و "ناظر" به امر "نظارت بر حسن اجرای وظایف محوله" توسط مجری و "عدم تخطی او از قوانین و مقررات مربوط و یا عرف شایع و جاری" پرداخته و در صورت برخورد با تعدی و یا تفریط مجری^۳، مراتب را حسب مورد به مرجع ذیصلاح (اعم از دادگاه، حاکم شرع و یا سازمان مربوطه) گزارش کرده تا تصمیم مقتضی توسط مرجع ذیربط اتخاذ شود.

با عنایت به مقدمات فوق و با توجه به اصل ۹۹، نوع و چگونگی نظارت شورای نگهبان، کدامیک از دو نوع فوق می‌باشد؟

قبل از ارائه پاسخ تحلیلی باید این نکته را نیز اضافه کنیم که در حال حاضر "وظیفه تفسیر قانون اساسی" مطابق اصل ۹۸، بر عهده شورای نگهبان بوده و این شورا در پاسخ به استعلام "رییس هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات"، در مورخه ۱۳۷۰/۳/۱ و طی نامه شماره ۱۲۳۴ چنین اعلام داشته است:

شهر، شهرستان و استان اختصاص یافته است، قانونگذار نیازی به نظارت "شورای نگهبان" بر انتخابات شوراها، احساس نکرده است.

شاید اگر انتخاب مقام های اجرایی هر منطقه اعم از "بخشدار، فرماندار و استاندار" در صلاحیت شوراهاى هر منطقه قرار می‌گرفت، "نظارت شورای نگهبان" بر این انتخابات نیز اعمال می‌شد. مراجعه شود به صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، ص ۹۸۶ لغایت ۹۹۴، مربوط به طرح و تصویب اصل ۱۰۰ قانون اساسی

۲- در ماده ۷۸ قانون مدنی ایران و در بحث مربوط به "وقف"، چنین آمده است: "واقف می‌تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب او باشد".

۳- از "تعدی و تفریط" در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی، تعریف به عمل آمده است. ماده ۹۵۱ چنین اعلام داشته است: "تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری".

ماده ۹۵۲ نیز چنین اعلام داشته است: "تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است".

«نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.»^۴

صرف نظر از تفسیر به عمل آمده توسط شورای نگهبان که با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی، معتبر و لازم الاجرا می‌باشد، باید از لحاظ «حقوقی و فقهی» این موضوع به لحاظ اهمیت آن مورد بررسی قرار گیرد.^۵

در مخالفت با نظارت استصوابی به دلیل های یازده‌گانه ذیل می‌توان تمسک جست:

۱- نظارت استصوابی بالاخص در مقام تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی، تحدید آزادی و اختیار مردم بوده و لذا در مقام تفسیر، حدود نظارت باید به حداقل آن که «اطلاعی» می‌باشد، اکتفا کرد و لذا چنانچه قصد مقنن از موضوع نظارت به معنای «نظارت استصوابی» می‌بود، در مقام بیان و تدوین و تصویب اصل ۹۸، باید به این موضوع به صراحت می‌پرداخت. «سکوت در مقام بیان» حمل بر عدم جواز این برداشت می‌باشد.

۲- در موارد مشابه حقوقی، هر کجا که صحبت از «نظارت» به میان آمده است، مقنن اولاً به تصریح (مانند ماده ۷۸ قانون مدنی) و یا به اشاره (مانند ماده ۲ قانون اوقاف مصوب ۱۳۱۳)^۶ تکلیف نوع «نظارت» را مشخص کرده است.

۴- منصور، جهانگیر؛ نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان درباره قانون اساسی - ص ۲۰۵

۵- تمام مراجعی که به موجب قانون، حق تفسیر قانون را برعهده دارند موظف به رعایت رویه واحدی در چگونگی تفسیر خواهند بود. به بیان دیگر، هدف از تفسیر توسط مرجع مربوطه باید کاملاً روشن باشد. بعضی از مکاتب حقوقی در مقام تفسیر قانون، معتقد به کشف اراده قانونگذار می‌باشند. اما بعضی دیگر از مکاتب خود را مجاز می‌شمارند که در مقام تفسیر، به تحدید و یا توسیع محدوده قانون اقدام بورزند.

شورای نگهبان در نظریه شماره ۹۷۵۱ مورخ ۶۲/۷/۲۷ در خصوص ارزیابی طرح قانونی راجع به تفسیر اصل یا اصولی از قانون اساسی مصوب ۶۲/۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی چنین اعلام کرد: «در مواردی که تفسیر به عنوان الغای خصوصیت و یا توسعه و تضییق موضوع مذکور در اصلی از اصول قانون اساسی باشد، در صورتی که احتیاج مبرم کشور به تفسیر احساس شود، و شورای نگهبان این احتیاج را تشخیص داد، اصل مورد نظر را تفسیر خواهد نمود.»

از طرف دیگر شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۱۲۷۲۱/۵۸۳ مورخ ۷۷/۲/۱۰ در پاسخ به استعلام رییس جمهور وقت چنین اعلام کرد: «مقصود از تفسیر بیان مراد مقنن است. بنابراین، تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.»

به نظر می‌رسد که شورای نگهبان در تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی از نظریه اول خویش تبعیت کرده و مصلحت‌اندیشی را بر کشف اراده مقنن ترجیح داده است.

ثانیاً در صورتی که نوع "نظارت"، به تصریح و یا به اشاره، مشخص نشود، اصل بر "اطلاعی بودن" نوع نظارت می‌باشد.^۷

۳- اعمال نظارت استصوابی شورای نگهبان "متناسب با سلیقه و مشرب فکری آنان"، در تقابل و یا تنافر با اراده واضعان قانون اساسی و هفده اصل (به ویژه اصول ۶ و ۵۶) از اصول قانون اساسی است.^۸

۴- مهمترین منبع تفسیر قانون اساسی، رجوع به مذاکرات نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی بوده تا به انگیزه و اهداف نمایندگان خبرگان (که واضعان قانون اساسی می‌باشند)، پی برده شود. نایب رییس مجلس خبرگان (آیت الله شهید بهشتی) پس از طرح اصل ۹۹ به شرح ذیل، توضیح داده است: " ... چون انتخاب به وسیله عموم ملت و به طور مستقیم است، در این موارد خواسته شده که نظارت بر این قسمت صرفاً در اختیار دولت یا رییس جمهوری قبلی نباشد بلکه یک مقام مقننه ای، یعنی یک مقامی که دور از مسایل اجرایی و دور از حب و بغض هایی است که در اجرا پیدا می‌شود، او هم بر این قسمت نظارت کند. برای اینکه این مقام مشخص شود، در مطالعات قبلی به این نتیجه رسیدیم که مناسب ترین آن همین شورای نگهبان است ... مسأله تنها موضوع نظارت است".^۹ پس از اظهار نظر نایب رییس مجلس خبرگان، سایر نمایندگان نیز چنین اظهار نظر می‌کنند: رحمانی: " ... این مؤهم این است که شورای نگهبان در اینجا نقش قوه مجریه را ایفا می‌کند...". ربانی شیرازی: " اول باید توضیح داده شود که مراد کلام است، اجرا است یا نظارت است؟". نایب رییس (شهید بهشتی): " نظارت است".

۶- امامی، سید حسن - حقوق مدنی - جلد یک - ص ۸۵، نسبت به موقوفات عامه که متولی مخصوص دارد، وزارت معارف و اوقاف نظارت کامل داشته ... منظور از "نظارت کامل" همان نظارت استصوابی است زیرا کاملترین اقسام نظارت می‌باشد.

۷- کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی؛ ص ۶۷: "ناظری که بدون قید معین می‌شود "اطلاعی است" و لزوم تصویب عمل متولی باید به تصریح یا قرینه اثبات شود".

۸- اصل ۶ قانون اساسی: "در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رییس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد".

اصل ۵۶ قانون اساسی: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد و یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند".

نایب رییس: در این که مجری دستگاه، دولت است، بحثی نیست شورای نگهبان هم که نمی تواند مستقیماً دستوری به دستگاه اجرایی بدهد. بنابراین اجرا باید بر عهده رییس جمهور یا دولت باشد.

شهید آیت: "... قسمت اول، نظارت به انتخاب رییس جمهور و مراجعه به آرای عمومی را به عهده شورای نگهبان گذاشته و به جا هم هست. اما یکی از اشکالات ما، همیشه انتخابات خود مجلس بوده است که زیر نظر قوه مجریه بوده و مداخله می کرده است. من معتقدم یا آن هم زیر نظر شورای نگهبان یا دیوان عالی کشور باشد یا مرجع دیگری که قوه مجریه نباشد."

سبحانی: "گماردن این افراد بر اینکه بر انتخاب رییس جمهور یا بر فراندوم نظارت کند که تقلب نشود، آیا این کار از اینها بر می آید که بر دوششان می گذاریم؟ من فکر می کنم این کار از شورای نگهبان بر نمی آید."

حسین هاشمی: "... اصلی که می خواهد عمل نظارت بر کیفیت اجرای همه پرسس ها و انتخابات ولو بالواسطه با یک هیأت نظارت سراسری انجام دهد، بسیار مهم است و عملی که باید طبق این اصل انجام دهد باید مخالف با مبانی قانون اساسی که در کلیات ذکر شده نباشد ..."

از مذاکرات فوق الذکر، این طور استنتاج می شود که هدف از واگذاری امر نظارت بر شورای نگهبان عبارت بوده است از:

- ✓ مقامی به دور از مسایل اجرایی، بر امر انتخابات، نظارت کند.
- ✓ هدف مهم این نظارت، مقابله با "حب و بغض" های به وجود آمده ناشی از مسایل اجرایی می باشد.

✓ تردیدی وجود ندارد که مجری انتخابات، دولت است و شورای نگهبان نمی تواند بطور مستقیم دستوری به دستگاه اجرایی بدهد (یعنی عدم مداخله شورای نگهبان در امور اجرایی انتخابات).

- ✓ اعمال نظارت اولاً جهت جلوگیری از تقلب در انتخابات بوده و ثانیاً عمل نظارت باید منطبق با مبانی قانون اساسی (مذکور در کلیات آن) باشد.

۵- سابقه تاریخی اعمال نظارت استصوابی از سوی شورای نگهبان در تأیید و یا رد صلاحیت کاندیداها.

یکی دیگر از دلایل مخالفان نظارت استصوابی، موضوع سابقه تاریخی تسری حدود نظارت استصوابی بر تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان ورود به صحنه انتخابات، می باشد.

توضیح اینکه به موجب مواد ۵۲ و تبصره یک آن و ماده ۵۳ از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی^۹ مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹، هیأت‌های اجرایی مراکز حوزه های انتخابیه در موعد مقرر موظف بوده اند که صلاحیت‌های داوطلبان را با توجه به معیارهای مشخص شده در همین قانون، بررسی نموده و نامزدهای واجد شرایط قانونی را تعیین و فهرست اسامی آنها را آگهی کرده و همچنین به اطلاع هیأت نظارت استان برسانند. کسانی که صلاحیت آنان مورد تأیید قرار نگرفته حق دارند که ظرف مهلت قانونی، شکایت خود را به هیأت نظارت استان اعلام کنند.

مسئولان وزارت کشور در اوایل سال ۱۳۷۰ (در آستانه انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی) و با توجه به مواد فوق الذکر، مدعی بودند که صرفاً صلاحیت داوطلبانی که توسط هیأت اجرایی مردود اعلام شده است، قابل بررسی در هیأت‌های نظارت و شورای نگهبان می‌باشد ولی صلاحیت داوطلبانی که توسط هیأت‌های اجرایی تأیید شده است، توسط هیأت‌های نظارت و شورای نگهبان قابل نقض نمی‌باشد.

شورای نگهبان نیز متقابلاً با استناد به مواد ۳ و ۵ قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۵/۵/۹ و ماده ۵۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹، مدعی شد که نظارت شورای نگهبان عام بوده و شامل تأیید و یا رد صلاحیت کاندیدها می‌شود.^{۱۰}

با عنایت به اختلاف فی مابین بر سر تفسیر مقررات مصوب مجلس شورای اسلامی یعنی دو قانون فوق الذکر، علی القاعده مجلس موظف بوده است که با استناد به اصل ۷۳ قانون اساسی^{۱۱} به تفسیر نوع نظارت شورای نگهبان بر انتخابات می‌پرداخت ولی در ۱۳۷۰/۲/۲۲، آیت الله رضوانی از اعضای فقهای شورای نگهبان و رییس هیأت مرکزی انتخابات، در یک اقدام غیر مترقبه نظر تفسیری شورای نگهبان

۹- مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲ - ص ۵۰۹

۱۰- مجموعه قوانین سال ۱۳۶۵ - ص ۲۳۱ به بعد؛ ماده ۳: "هیأت مرکزی نظارت، بر کلیه مراحل اجرایی و جریان‌های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور در امر انتخابات و هیأت‌های اجرایی و تشخیص صلاحیت نامزدهای نمایندگی و حسن جریان انتخابات، نظارت خواهد کرد."

۱۱- اصل ۷۳ قانون اساسی: "شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است، مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمییز حق، از قوانین می‌کنند، نیست."

در خصوص اصل ۹۹ قانون اساسی را جویا شد. این شورا نیز نظریه خویش مبنی بر "استصوابی بودن" نظارت شورای نگهبان که مشتمل بر تأیید و رد صلاحیت کاندیدها می‌شود، را اعلام کرد.^{۱۲}

۶- در هر یک از مواد قانونی که مقصود قانونگذار، اعمال نظارت استصوابی از طرف "ناظر" بوده است. کیفیت و حدود و لزوم تصویب ناظر نیز بیان شده است. در غیر این صورت، نظارت صرفاً جنبه "اطلاعی" دارد.

در موارد مختلفی از قانون امور حسبی و یا سایر مواد قانون مدنی که به موضوع "حفظ، اداره و یا نظارت بر اموال صغیر توسط قیم و یا دادستان" اختصاص دارد، به همان کیفیت مطروحه عمل شده است.^{۱۳}

۷- در بسیاری از مقررات قانونی نیز از "نظارت استطلاعی" استفاده شده و بدیهی است که "ناظر"، موظف به نظارت بر اعمال مجری می‌باشد و در صورت تخلف، موظف به اعلام مراتب به مرجع ذیصلاح جهت رسیدگی و اعلام تصمیم مقتضی می‌باشد. از جمله در ماده ۱۲ قانون مطبوعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی "ناظر اطلاعی" بوده و در صورت تخلف نشریات و پس از بررسی‌های لازم، مراتب را به دادگاه صالح جهت تعقیب قانونی اعلام می‌دارد. در مقررات دیگر نیز که نظارت ناظر به طور مطلق و عام ذکر شده است، اطلاق و یا عموم آن، مجوز دخالت در امور مجری (اعم از متولی، قیم، وصی و ...) نبوده، مگر آنکه مقنن به صراحت به این امر تجویز نموده باشد.

۱۲- پس از تشکیل مجلس چهارم، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در مرداد ۱۳۷۴ مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته و ضمن اصلاح برخی از مواد آن، بر استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان نیز تأکید ورزیده شد. در ۱۴ اسفند ۱۳۷۶، آیت الله جنتی دبیر شورای نگهبان طی مصاحبه ای اعلام کردند: "شورای نگهبان در تصویب این قانون نقشی نداشتند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی یعنی نمایندگان منتخب ملت به دلیل حساسیت مسأله این قانون را تصویب کردند و شورای نگهبان تنها مجری این قانون است... کسانی که در این مورد اعتراض دارند، باید با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در میان بگذارند تا نمایندگان مردم اگر صلاح دیدند، مانند هر قانون دیگر در آن اصلاح به عمل آورند. مقام رهبری نیز در اواخر سال ۱۳۷۷ در جمع اعضای دفتر تحکیم وحدت، طی سخنانی فرمودند: "... اگر فکر می‌کنید که نظارت استصوابی چیز غلطی است، خیلی خوب، شما بروید تلاش کنید و اگر بتوانید از مجاری صحیح، نظارت استصوابی را بردارید. البته الان قانون است... راه اصلاح قانون این است که با نماینده هاء با مسؤولان کمیسیون ها و یا افراد صحبت بکنید، در جلسه های مجلس شرکت بکنید، در روزنامه مثلاً مقاله بنویسید، این اشکالی ندارد. بحث های طبیعی و منطقی بر طبق روش معقولی دنبال بشود. ممکن است قانون برگردد ممکن است برنگردد..."

۱۳- از جمله در ماده ۸۵۷ قانون مدنی: "موصی می‌تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید. حدود اختیارات ناظر به طریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود" و نیز رجوع شود: مواد ۸۳ و ۱۱۹ قانون امور حسبی.

مواد ۴۲۷ و ۴۲۸ قانون تجارت (ناظر تصفیه امور مربوط به ورشکستگی تاجر)، ماده ۳۴۲ قانون امور حسبی (ناظر بر اعمال مدیر ترکه)، ماده ۴۱ قانون شرکت های تعاونی (ناظر بر انطباق عملیات تعاونی با اساسنامه و قوانین مربوطه) و ... از جمله این مقررات می باشند.

۸- در فقه امامیه نیز هر کجا که به صورت اطلاق، از نظارت "ناظر"، سخن گفته شده و حدود وظایف ناظر و کیفیت نظارت او، مشخص نشده است، این نظارت بر "اطلاعی" بودن آن حمل گردیده است.

از جمله صاحب جواهر می نویسد: "... ان الناظر المستعمل فی زماننا لیس وصیاً مستقلاً بل و لا شریکاً فی الوصایه لعدم ظهور عبارة الموصی فیہ بل لعلها ظاهرة فی اراده الصرف باطلاعه".^{۱۴}

یعنی لفظ ناظر که در زمان ما از آن استفاده می شود (در وصیت ها) منظور از آن وصی مستقل و شریک در وصایت نمی باشد، به دلیل عدم ظهور عبارت وصیت کننده به آن، بلکه ظهور آن در این (مطلب) است که اعمال وصی با آگاهی و اطلاع ناظر صورت گیرد.

حضرت امام خمینی نیز نظارت ناظر "در موارد اطلاق" را حمل بر نظارت استطلاعی نموده و چنین اضافه می کنند که: "... شاید غالب و متعارف در تعیین ناظر برای اوصیا، همان انگیزه اول (نظارت استطلاعی) باشد".^{۱۵}

۹- چنانچه نظارت شورای نگهبان از نوع "استصوابی" بوده و شامل قبول و یا رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس و همچنین اعلام صحت و یا بطلان جریان انتخابات باشد، لاجرم هیچ مرجع دیگری حق رد تصمیمات شورای نگهبان را نخواهد داشت. به بیان دیگر چنانچه شورای نگهبان، صلاحیت کاندیداها را تأیید کرده و سپس بعد از برگزاری انتخابات و نظارت بر جریان آن و رسیدگی به تمام شکایات وارده، مجدداً نتیجه انتخابات را تأیید کرد، داوطلبان پیروز در انتخابات، نمایندگان مردم تلقی شده و هیچ مرجع دیگری حق مردود شمردن صلاحیت برندگان انتخابات و یا بررسی مجدد جریان انتخابات را نخواهد داشت.

در صورتی که هم قانون اساسی و هم قوانین عادی، خلاف این نتیجه گیری را اعلام می کنند. اصل ۹۳ قانون اساسی، بررسی و تأیید صلاحیت نمایندگان پیروز در جریان انتخابات را (که قبلاً به تأیید

۱۴- نجفی، شیخ محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ جلد ۲۸؛ ص ۴۰۸

۱۵- امام خمینی، روح الله؛ تحریر الوسیله؛ جلد ۳؛ ص ۱۸۵. امام خمینی در بحث "وقف"، نظر دیگری داشته و اعلام نموده اند که "اگر مقصود واقف احراز نشود (از اطلاعی و یا استصوابی بودن ناظر) لازم است که هر دو اسر رعایت شود".

شورای نگهبان، رسیده است) به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده است.^{۱۶} به موجب ماده ۶۵ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است، رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان و بررسی مدارکی که در شورای نگهبان مورد رسیدگی قرار گرفته و یا پس از رسیدگی شورای نگهبان، به دست آمده است، به شعب مربوطه که در مجلس شورای اسلامی و با حضور نمایندگان منتخب ملت تشکیل می‌شود، واگذار کرده و حسب مورد شعب مزبور و یا با رأی گیری در جلسه عمومی مجلس، تعیین کننده تأیید و یا رد اعتبارنامه نمایندگان خواهد بود.^{۱۷}

نتیجه اینکه علیرغم نظارت استصوابی شورای نگهبان و تأیید جریان انتخابات و صلاحیت کاندیدها، امکان رد اعتبارنامه و صلاحیت نمایندگان پیروز در انتخابات وجود خواهد داشت و این پروسه قانونی که در اصل ۹۳ و آیین نامه داخلی مجلس، پیش بینی شده است، مؤید غیر استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان در تأیید «صلاحیت» و «جریان انتخابات» می‌باشد.^{۱۸}

۱۰- یکی دیگر از دلایل طرفداران این نظریه، اصل ۱۱۸ قانون اساسی می‌باشد.

به موجب این اصل: «مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل ۹۹ بر عهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند».

از منطوق عبارت فوق این طور استنتاج می‌شود که در انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری، وظایف شورای نگهبان (به دلیل عدم تشکیل آن) بر عهده «انجمن نظارت» بوده است.

حال چنان چه واضعان قانون اساسی، مستند به اصل ۹۹ قانون اساسی، نظر به شمول نظارت استصوابی شورای نگهبان در تأیید و یا رد صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری داشته‌اند، این اختیار علی القاعده باید در حوزه اختیارات «انجمن نظارت» مذکور در اصل ۱۱۸ نیز قرار می‌گرفت. زیرا این انجمن در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری، قایم مقام و جانشین شورای نگهبان شده است. در حالی که نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی، مطلقاً چنین استنباطی از اصل ۹۹ نداشته و به همین

۱۶- اصل ۹۳ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان».

۱۷- مواد ۶۵ لغایت ۷۴ از فصل دوم آیین نامه داخلی مجلس

۱۸- در آیین نامه داخلی سابق مجلس مصوب ۱۳۶۱/۱/۱۹ نیز مشابه همین روند پیش بینی شده بود.

لحاظ در بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تأیید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری، در دوره اول را بر عهده رهبری قرار داده و در دوره‌های بعد، بر عهده "شورای نگهبان" محول نموده‌اند.

نتیجه اینکه مستند و دلیل "استصوابی بودن" نظارت شورای نگهبان در تأیید و یا رد صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری نه به لحاظ اصل ۹۹ و بلکه به دلیل مفاد بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد^{۱۹} و لذا محدوده نظارت استصوابی شورای نگهبان در اصل ۹۹ (با فرض قبول این نظریه) مطلقاً شامل قبول و یا رد صلاحیت داوطلبان "ریاست جمهوری" نخواهد بود.

۱۱- یکی دیگر از دلایل مخالفان نظارت استصوابی شورای نگهبان، به تفسیر این شورا از اصل ۹۹ قانون اساسی و متقابلاً به نحوه عمل آن شورا در انتخابات مذکور در همان اصل باز می‌گردد. توضیح آنکه شورای نگهبان معتقد است که اصل ۹۹ قانون اساسی عام و مطلق بوده و به همین لحاظ، دبیر شورای نگهبان اعتقاد دارند که "نظارت شورای نگهبان محدود به هیچ حدی نیست حتی مجلس هم نمی‌تواند آن را مخدوش کند زیرا اطلاق دارد".

این شورا در بند ۱۱ نامه شماره ۱۰۶۴۱ مورخه ۱۳۶۲/۱۱/۲۷ خطاب به مجلس شورای اسلامی نیز بر این امر تأکید ورزیده است: "... نظر به اینکه طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت شورای نگهبان، مطلق است، تحدید آن با قانون عادی مغایر با اطلاق اصل مذکور است".

در اصل ۹۹ قانون اساسی، از چهار انتخابات "مجلس خبرگان رهبری"، "ریاست جمهوری"، "مجلس شورای اسلامی" و "مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی"، سخن به میان آمده است. با توجه به سیاق واحد این اصل و با توجه به نظر شورای نگهبان، ضروری می‌باشد که "عموم و اطلاق" نظارت در این اصل، بر تمام چهار انتخابات فوق‌الذکر، حاکم باشد.

نتیجه پذیرش این نظریه، این خواهد بود که جریان "نظارت استصوابی" این شورا به طور مشابه بر تمام انتخابات جاری بوده و این شورا مجاز به دخالت یکسان در مسایل اجرایی از جمله در تأیید و یا رد صلاحیت داوطلبان باشد.

در صورتی که سابقه عمل شورای نگهبان فاقد این نتیجه‌گیری می‌باشد. از باب مثال، به موجب اصل ۱۰۸ قانون اساسی، "قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان و ... برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه ... و تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از

۱۹- قسمتی از بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی: "... صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد".

آن پس هر گونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.^{۲۰}

اولین قانون انتخابات خبرگان و آیین نامه مجلس خبرگان در مورخه ۱۳۵۹/۷/۱۰، توسط فقهای شورای نگهبان تهیه و به تصویب امام رسید.

به موجب تبصره یک ذیل ماده ۲ این قانون: "تشخیص واجد بودن شرایط با گواهی سه نفر از استادان معروف درس خارج حوزه های علمیه می باشد."

اگر فقهای شورای نگهبان معتقد به "اطلاق" و "عموم" اصل ۹۹ بوده و دامنه نظارت استصوابی آن، شامل تأیید و یا رد صلاحیت کاندیداها می شود، پس به چه دلیل تشخیص واجد شرایط بودن داوطلبان یکی از انتخابات مذکور در اصل ۹۹ (یعنی انتخاب مجلس خبرگان) را به گواهی سه نفر از اساتید حوزه های علمیه، محول نمودند؟

تبصره فوق در ۱۳۶۹/۴/۲۵ به شرح ذیل مورد اصلاح قرار گرفت: "مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق با فقهای شورای نگهبان قانون اساسی می باشد."

البته مفاد این تبصره نیز مغایر با عموم و اطلاق اصل ۹۹ می باشد زیرا در تبصره مذکور، نظارت بر انتخابات (در محدوده تأیید و یا رد صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان) بر عهده فقهای شورای نگهبان قرار داده شده است در صورتی که به تصریح اصل ۹۹ باید بر عهده تمام اعضای شورای نگهبان قرار می گرفت.^{۲۱}

دلایل یازده گانه فوق، اهم دلایل مخالفان نظارت استصوابی شورای نگهبان می باشد.

مقابلاً در تأیید نظارت استصوابی نیز می توان به دلایل هشتگانه ذیل تمسک جست:

۱- بنیان گذار جمهوری اسلامی، مجلس را هر چند در "رأس امور و نهادها" جای داده است ولی به لحاظ همین موقعیت خطیر مجلس، با بیان این که "مجلس خوب همه چیز را خوب می کند و مجلس بد همه چیز را بد ... تذکر می دهند که: "اگر در انتخابات مسامحه کنید مطمئن باشید که از راه

۲۰- اساساً شمول نظارت استصوابی شورای نگهبان بر تأیید و یا رد صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان آن طور که در تبصره اصلاحی سال ۶۹ آمده است فاقد منطقی حقوقی می باشد زیرا فقهای شورای نگهبان، منصوب رهبری بوده و متقابلاً نمایندگان خبرگان وظیفه انتخاب رهبر و همچنین نظارت بر حسن اجرای وظایف محوله به رهبری در قانون اساسی را بر عهده دارند. لذا "کنترل و نظارت بر انتخابات خبرگان رهبری (و آن هم به طور استصوابی) توسط "منتخبان رهبری" فاقد پشتوانه قابل دفاع حقوقی می باشد.

مجلس به ما نطمه می‌زنند" و سپس تأکید می‌کند که: "... نگذارید حتی یک عنصر خرابکار وابسته، به مجلس راه یابد."

اجرای سفارش‌ها و اوامر بنیان‌گذار و رهبر انقلاب، مستلزم اعمال نظارت استصوابی می‌باشد.

۲- با توجه به اینکه حدود نظارت و کیفیت و کمیت چگونگی نظارت شورای نگهبان و معیارها و ضوابط مربوط به آن در اصل ۹۹، مسکوت گذارده شده است، لاجرم تعیین حدود و ثغور و معیارهای مربوطه بر عهده قانون‌قرار دارد. مجلس شورای اسلامی نیز تنها مرجع قانونگذاری بوده و همین مجلس در ماده سه قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷، چنین مقرر داشته است: "نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است."^{۲۱}

۳- استصوابی بودن نظارت شورای نگهبان از مفاد قانون "نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی" مصوب ۱۳۶۵/۵/۹ مجلس شورای اسلامی، نیز به طور صریح و آشکار، استنتاج می‌شود. مثلاً ماده پنج قانون فوق، نظرات هیأت‌های نظارت استانی بر انتخابات (متخبان شورای نگهبان) را در "همه موارد مربوط به انتخابات" (به استثنای ابطال یا توقف کل انتخابات یا شعب سرنوشت ساز و همچنین رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی) قطعی اعلام نموده و در موارد مستثنا شده حسب مورد نیز نظر شورای نگهبان یا هیأت مرکزی انتخابات را قطعی و لازم‌الاجرا داشته است.^{۲۲}

۴- نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، عام و مطلق بوده و لذا تخصیص و تقیید آن به برخی از مراحل انتخابات، نیازمند دلیل و قرینه می‌باشد که علی‌الغرض، مفقود است. هیچ قیدی برای نظارت در قانون اساسی ذکر نشده و بالطبع نظارت تام و کامل آن قابل استظهار می‌باشد که همان نظارت استصوابی است.

۵- نظارت حقیقی، همان نظارت استصوابی است. اصل در نظارت به این است که "ناظر"، حق اظهارنظر و نفی و اثبات و تأیید و تأکید و تکذیب را داشته باشد.

۲۱- مفاد ماده سه قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۹ (قبل از اصلاحات سال ۱۳۷۸) عیناً همان مفاد ماده سه اصلاحی می‌باشد مگر در اضافه کردن دو کلمه "شورای اسلامی" بعد از کلمه "مجلس" و کلمه "استصوابی" در عبارت "این نظارت استصوابی و عام و در تمام ...".

۲۲- ماده ۱۱ این قانون اعلام می‌دارد: "نظر شورای نگهبان در مورد ابطال یا توقف انتخابات قطعی و لازم‌الاجرا است. ادامه انتخابات در حوزه‌هایی که از طرف شورای نگهبان متوقف گردیده، بدون اعلام نظر ثانوی شورای نگهبان، وجه قانونی ندارد و جز شورای نگهبان، هیچ مقام و مرجع دیگری حق ابطال یا توقف کردن انتخابات را ندارد."

به تعبیر دیگر نظارت حقیقی به این است که رأی و سخن ناظر، رسمیت و مقبولیت داشته باشد و مرجع و نهاد دیگری، بعد از اظهار رأی و نظر "ناظر"، نتواند به بررسی مجدد بپردازد و پذیرش رأی بر همگان، قطعی باشد.

قطعی بودن نظر شورای نگهبان را که ناشی از "استصوابی بودن" نظارت این شورا می‌باشد، از این نکته می‌توان استنتاج کرد که در اصل ۹۹، هیچ مرجعی برای تقدیم گزارشات "شورای نگهبان"، پیش بینی نشده است و همین امر حاکی از این مطلب است که مراد قانونگذار، "نظارت استصوابی" بوده است.

۶- یکی دیگر از دلایل طرفداران "نظارت استصوابی"، استناد به روح حاکم بر اصول قانون اساسی در مباحث مربوط به "نظارت" می‌باشد.

توضیح آنکه در اصول متعددی از قانون اساسی، بحث "نظارت"، مطرح شده و در هیچ یک از اصول مربوطه، هرگز "نظارت استطلاعی" مورد توجه مقنن نبوده است. به مثالهای ذیل توجه کنید:

الف: "نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام" از جمله وظایف رهبری شناخته شده است. (بند ۲ اصل ۱۱۰)

ب: "نظارت بر حسن اجرای قوانین"، از جمله وظایف قوه قضاییه شناخته شده است (بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی).

ج: نظارت بر کار وزیران با رییس جمهور می‌باشد" (از اصل ۱۳۴ قانون اساسی).

در تمام مصادیق فوق، "نظارت ناظر" از نوع "استصوابی" بوده و ناظر مجاز به بررسی و "قبول و یا رد" تصمیمات متخذ و صدور دستورات مقتضی می‌باشد.^{۲۳}

۷- در بسیاری از کتب فقهی، مذکور می‌باشد که اگر قرینه ای دال بر "نظارت استطلاعی" وجود نداشته باشد، "نظارت ناظر" حمل بر "نظارت استصوابی" خواهد شد. از جمله می‌توان به نظر امام خمینی (بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران) استناد کرد.^{۲۴}

۲۳- یکی دیگر از مصادیق "نظارت" در قانون اساسی، اصل ۱۷۵ (شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران) می‌باشد. اتفاقاً "شورای نگهبان"، "نظارت" این شورا را استصوابی تلقی نمی‌کند.

۲۴- امام خمینی، روح الله؛ تحریر الوسیله؛ جلد ۳، ص ۱۴۹

۸- بعضی از حقوقدانان نیز در فرض "عدم تعیین نوع نظارت ناظر"، به "نظارت استصوابی" نظر داده‌اند. از جمله در خصوص ماده ۷۸ قانون مدنی: "واقف می‌تواند بر متولی، ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد".

این طور اظهار نظر شده "اگر مقصود واقف معلوم نباشد، مراعات هر دو جهت لازم است یعنی هم به اطلاع او (ناظر) برساند و هم جلب موافقت وی را بکنید. هر چند در این مورد تصویب ناظر مشکوک است ولی وقتی می‌توان یقین به نفوذ و صحت عمل متولی داشت که ناظر هم تصویب کرده باشد و با شک در تأثیر عمل متولی، از جهت شک در کیفیت اختیار ناظر، اسصحاب عدم نفوذ عمل متولی در این صورت جاری خواهد بود."^{۲۵}

نتیجه گیری:

مهم ترین دلیل های موافقان و مخالفان نظارت استصوابی شورای نگهبان در تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی بیان شد. آنچه که مسلم است اینکه در حال حاضر با عنایت به وجود مقررات موجود از جمله "قانون انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی"، "قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی" و همچنین نظر تفسیری شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی که با استناد به اصل ۹۸ همین قانون صورت گرفته است، "نظارت استصوابی" شورای نگهبان در تمام مراحل انتخابات چهارگانه مذکور در اصل ۹۹ اعمال می‌شود. اما در پایان ناگزیر به ذکر دو نکته مهم می‌باشیم؛

۱- فلسفه ایجاد نهاد "شورای نگهبان" در قانون اساسی، پاسداری از قانون اساسی و احکام حقه اسلام می‌باشد. اساساً صبغه تاریخی و تجربه تلخ ملت ایران ناشی از عدم اجرای اصل مشابه در قانون اساسی دوران مشروطیت، سبب تأسیس این نهاد در "قانون اساسی" شد.

لذا "شورای نگهبان" باید در چهارچوب فلسفه وجودی خود، حرکت کرده و واگذاری دو مسؤولیت اصلی دیگر یعنی "نظارت بر انتخابات" و "تفسیر قانون اساسی"، نه تنها به "تثبیت جایگاه این نهاد" و "تسریع حرکت نظام" به سوی اهداف خویش و "حل فوری معضلات انتخاباتی و قانونی" نمی‌انجامد، بلکه در عمل جایگاه این نهاد را به سطح مجادله های فی‌مابین احزاب سیاسی کاهش داده و به تنزل مقبولیت آن نزد افکار عمومی، منجر خواهد شد.

اتفاقی که متأسفانه و به تدریج در طول بیست سال گذشته به وقوع پیوسته تا بدانجا که این "نهاد" را به یکی از طرفین مجادلات سیاسی روز، تبدیل کرده است.

۲- فلسفه تعیین "ناظر" برای هر یک از انتخابات به "اجرای صحیح قانون" به منظور "جلوگیری از دخالت‌های غیر قانونی" مقام‌های اجرایی، محلی و سیاسی در هر یک از مراحل انتخابات، "تأمین آزادی کامل آحاد ملت" در پروسه برگزاری انتخابات و (چه برای کاندیدا شدن و چه برای انتخاب کردن) و در نهایت "پاسداری از آرای ملت و جلوگیری از بروز تقلب در انتخابات" می‌باشد.

به بیان دیگر، مجریان انتخابات موظف می‌باشند که وجهه همت خود را مصروف برگزاری صحیح انتخابات بر طبق موازین قانونی بنمایند، اما به لحاظ جلب اعتماد و اطمینان خاطر بیشتر مردم نسبت به صحت جریان انتخابات، ناگزیر از تعیین "ناظر" بر عملکرد "مجریان انتخابات" و "صحت جریان انتخابات" خواهیم بود. لازم به ذکر است که تعیین ناظر برگزاری انتخابات، صرفاً اختصاص به ایران نداشته و در تمام کشورهای جهان که "از انتخابات" به عنوان یک وسیله جهت "تعیین مسؤولان قوای مختلف و یا نهادهای سیاسی، اجتماعی" استفاده می‌شود، اشخاص و نهادهایی نیز در کنار مجریان انتخابات وجود دارند که بر "برگزاری سالم انتخابات"، نظارت می‌نمایند.

"ناظر" و یا "نظار" تعیین شده (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی)، وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین مربوط به انتخابات را بر عهده داشته تا (همانطور که مذکور گردید) اجرای صحیح این وظیفه، به تحقق سه هدف منجر شود؛

❖ جلوگیری از دخالت غیرقانونی مقام‌های اجرایی، سیاسی و محلی و یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در روند انتخابات.

❖ تأمین آزادی کامل آحاد ملت در روند برگزاری انتخابات.

❖ پاسداری از آرای ملت و جلوگیری از بروز تقلب در انتخابات.

نهاد "شورای نگهبان" اساساً و بالذاته برای تحقق بخشیدن به هیچ یک از اهداف فوق، توسط خیرگان قانون اساسی، تأسیس نشده است. بلکه با عنایت به سابقه تاریخی به جا مانده از دوران پس از انقلاب مشروطیت و جهت جلوگیری از تصویب قوانین و مقررات مغایر با "موازین شرعی" و یا "مفاد قانون اساسی"، ایجاد شده است.^{۲۶}

۲۶- جهت ملاحظه بیشتر در باب شناخت وظیفه اصلی شورای نگهبان و تأثیر تجربه دوران پس از مشروطیت در ایجاد این

نهاد رجوع شود به: صحیفه نور، جلد ۱۵، صفحات ۲۲۲ و ۲۳۲ و جلد ۱۸، ص ۲۶۴

واگذار کردن مسؤولیت های دیگر و گسترش دامنه فعالیت "شورای نگهبان" به امور اجرایی و آن هم در سطح کلان سیاسی، به ناگزیر سبب ورود اعضای این نهاد به مجادله ها و کشمکش های سیاسی شده و نتیجه ای جزء کاهش "مقبولیت" و تنزل "جایگاه این نهاد" به سطح یک "حزب و جریان سیاسی" نخواهد داشت.

فهرست منابع

- ۱- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی؛ ۳ جلد؛ چاپ اول ۱۳۶۴
- ۲ - منصور، جهانگیر؛ نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان درباره قانون اساسی؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۰
- ۳ - ارشدی، علی یار؛ حقوق اساسی و شرح و نقد قانون اساسی ایران؛ تهران، انتشارات سرمدی؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۲
- ۴ - امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی؛ تهران، انتشارات اسلامی، جلد یک، چاپ ششم، ۱۳۵۶
- ۵ - کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی؛ تهران؛ نشر میزان؛ چاپ هشتم؛ پاییز ۸۲
- ۶ - مجموعه قوانین سال ۱۳۶۲، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
- ۷ - مجموعه قوانین سال ۱۳۶۵، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
- ۸ - نجفی، شیخ محمد حسن؛ جواهرالکلام؛ تهران، چاپ سربی، جلد ۲۸
- ۹ - خمینی، روح الله؛ تحریرالوسیله؛ دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۳، چاپ هفدهم، ۱۳۷۸
- ۱۰ - حائری شاهباغ، سید علی؛ شرح قانون مدنی؛ تهران، انتشارات گنج دانش، جلد اول، چاپ اول با ویرایش جدید، ۱۳۷۶

The Nature of the Guardian Council's Supervision on Elections is "approval seeking" or "information-seeking"?!

By Dr. Aliyar Arshadi*

Abstract

One of the function of the Guardian Council (shoraye negahban) specified by the Iranian Constitution, is supervision on Elections.

Article 99 of the Constitution has entrusted the Guardian Council with the task of supervising on four elections namely the election of the Assembly of Experts for Leadership, the President of the Republic, the Islamic Consultative Assembly, and the direct recourse to popular opinion and referenda.

But in that very Article there is no explicit verdict on the nature of this supervision as it is largely divided to two categories; "approval seeking" (Estesvabi) and "information-seeking" (estetlaee).

Some legal writers and advocating are in the first one, while some others are in favor of the second!

The issue, apart from political disputes, has, in this article, been scrutinized from legal point of view and all available evidences, which favor each of the two, have brought into the picture in detail.

Keywords: Iranian Constitution, the Guardian Council, Approval-seeking supervision (Estesvabi), information-seeking supervision (estetlaee).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*. Associate Professor, Department of law, Imam Hossein University.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی